

برای اولین بار

درباره‌ی

انسان بودن

اریک فروم

ویراستار: رایزر فونک

مترجم: ملیحه مغازه‌ای



انتشارات آشیان

On Being Human

Erich Fromm

سرشناسه	فروم، اریک، ۱۹۰۰ - ۱۹۸۰ م. Fromm, Erich
عنوان و نام پدیدآور	درباره انسان بودن / اریک فروم؛ مترجم ملیحه مغازه‌ای.
مشخصات نشر	تهران: اشیان، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	۲۰۸ ص؛ ۲۱/۵ × ۱۴/۵ س.م.
شابک	978-600-7293-60-7
وضعیت فهرست نویسی	فیپا
یادداشت	عنوان اصلی: On being human, 1994.
یادداشت	کتابنامه: ص. [۲۰۳] - ۲۰۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	روان‌شناسی انسان‌گرا - Humanistic psychology
موضوع	انسانگرایی -- تاریخ -- قرن ۲۰ م
موضوع	Humanism -- History -- 20th century
موضوع	روان‌شناسی اجتماعی - Social psychology
موضوع	روانکاوی - Psychoanalysis
شناسه افزوده	مغازه‌ای، ملیحه، ۱۳۳۱ - مترجم
رده بندی کنگره	۲۰۴BF
رده بندی دیویی	۱۵۰/۱۹۵۷
شماره کتابشناسی ملی	۷۵۶۹۲۶۹



انتشارات آشیان

درباره‌ی انسان بودن

اریک فروم

مترجم: ملیحه مغازه‌ای

ویراستار: محدثه ابراهیم‌زاده

نمونه‌خوانی: آرمیتا رفیع‌زاده

صفحه‌آرایی: ابراهیم توکلی

طراحی جلد: محسن سعیدی

چاپ اول: ۱۴۰۰

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۸۰۰۰۰ ریال

مرکز فروش: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، کوچه فاتحی داریان، پلاک ۵، طبقه اول

تلفن: ۰۹۱۲۱۳۹۹۶۲۵ - ۶۶۹۷۲۷۹۲

Ashian2002@yahoo.com

ISBN: 978-600-7293-60-7

شابک: ۷-۶۰-۷۲۹۳-۶۰۰-۷۸

تمامی حقوق این اثر محفوظ می‌باشد. تکثیر یا تولید مجدد آن به صورت کلی و جزئی و به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و نشر الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست

پیشگفتار ویراستار ۷

بخش اول: بدیلی انسان‌گرایانه ۱۳

فصل ۱: انسان مدرن و آینده ۱۵

● مراحل توسعه‌ی انسان غربی ۱۷

● از خودبیگانگی به مثابه‌ی بیماری انسان مدرن ۲۵

● بی‌تفاوتی به عنوان مظهر جدیدی از شرارت ۳۰

● بدیل رنسانس انسان‌گرایی ۳۲

فصل ۲: مشکل روانشناسی انسان در جامعه مدرن ۳۵

فصل ۳: از جامعه‌ی معاصر چه چیزی را دوست داریم ۴۳

فصل ۴: از هم‌پاشیدگی جوامع ۴۷

● ماهیت نظام‌ها ۴۸

● فروپاشی نظام‌های اجتماعی ۵۱

● فروپاشی و استقرار مجدد جامعه‌ی فناوری معاصر ۵۴

فصل ۵: در جست‌وجوی بدیلی انسان‌گرایانه ۵۸

● به کجا می‌رویم؟ ۵۹

● شرایط لازم برای شکل‌گیری بدیل انسان‌گرا - کنشگر ۶۳

● ضرورت یک جنبش جایگزین ۶۷

فصل ۶: انسان‌گرایی به عنوان شرطی برای ایجاد یک جهان ۷۱

- تاریخ نظریه‌ی انسان‌گرایی ۷۳
- مناسبت انسان‌گرایی برای امروز ۸۶

بخش دوم: اعترافات و ابتکارات انسان‌گرایانه ۹۳

- فصل ۷: ایده‌ی کنفرانس جهانی ۹۵
- فصل ۸: کارزار انتخاباتی یوجین مک‌کارتی ۱۰۱
- فصل ۹: مبارزه‌ی مشترک علیه بت‌پرستی ۱۱۱
- فصل ۱۰: برخی باورهای انسان، در وجود انسان، برای انسان ۱۱۵
- فصل ۱۱: ملاحظات دربارۀ روابط میان آلمانی‌ها و یهودی‌ها ۱۲۱

بخش سوم: نظرات مایستر اکهارت و کارل مارکس درباره‌ی داشتن و

بودن ۱۲۷

- مقدمه ۱۳۱
- فصل ۱۲: مایستر اکهارت: درباره فهم ایده‌هایش ۱۳۳
- نظرات اکهارت درباره‌ی داشتن و بودن ۱۴۱
- خطبه فقر ۱۴۶
- فصل ۱۳: کارل مارکس: تمایلات مذهبی مارکس ۱۵۱
- سیری در دین و مفهوم خدا ۱۵۲
- انسان‌گرایی به‌عنوان موعودباوری سکولار ۱۶۰
- نظرات مارکس در باره داشتن و بودن ۱۷۱
- فصل ۱۴: دغدغه مشترک عمومی «مذهبی»، سنت عرفان ۱۸۴
- دینداری خدا ناباور ۱۹۱

کتاب‌شناسی ۱۹۹

نمایه ۲۰۳

پیشگفتار ویراستار

اگر کسی بخواهد روح جریان خروشان^۱ را که بر آثار اریک فروم حاکم است بشناسد، باید در وهله‌ی اول رهیافت اجتماعی - روان‌شناختی او را دریابد، زیرا با استفاده از آن می‌تواند به کشف تلاش‌های پرشور اجتماعی انسان ناآل شود. در اواخر دهه‌ی ۱۹۳۰، هم‌زمان با جدایی فروم از موسسه‌ی تحقیقات اجتماعی^۲ و اختلافش با ماکس هورکهایمر^۳، هربرت مارکوزه^۴ و تئودور آدورنو^۵ یک نوع جهت‌گیری متفاوت و فرومی در سراسر زندگی و آثار فروم به‌مثابه‌ی جریان خروشان شکل گرفت که در همان بینش انسان‌گرایانه‌ی او در مورد انسان و جهان است. از این

۱. واژه‌ی scarlet thread از نظر لغوی به معنای نخ یا طناب قرمز است و در سفر پیدایش در موارد متعدد تکرار شده و به گونه‌ای اتصال مطالب را نشان می‌دهد. داستان اولیه‌ی آن این بوده که تamar، عروس یهودا، دوقلو زایمان کرد و ماما به دست نوزادی که زودتر به دنیا آمد نخ قرمز بست که مشخص شود کدام بزرگ‌تر است. استفاده از این واژه به معنای اتصال موضوعات در نوشته‌های ادبی و مذهبی غرب تا چند دهه پیش کم و بیش مرسوم بوده است، اما اکنون به ندرت از آن استفاده می‌شود. در این کتاب برای نشان‌دادن جریان فکری برجسته و جاری در آثار اریک فروم (انسان‌گرایی) و معادل واژه‌ی فوق از اصطلاح جریان خروشان استفاده شده که ارتباط و اتصال موضوعات را نشان دهد. - مترجم.

2. Institute for Social Research

3. Max Horkheimer

4. Herbert Marcuse

5. Theodor Adorno

مرحله به بعد، فروم برای توصیف ویژگی تفکرش از مشخصه‌ی "انسان‌گرایانه" استفاده می‌کند: علم انسان‌گرا، سوسیالیسم انسان‌گرا، جامعه‌ی صنعتی انسان‌گرا، آگاهی انسان‌گرا، مذهب انسان‌گرا، مدیریت انسان‌گرا، نگاه انسان‌گرایانه به جهان، روانکاوی انسان‌گرا، شخصیت انسان‌گرا، اخلاق انسان‌گرا و مدینه‌ی فاضله‌ی انسان‌گرا.

در ارزیابی اندیشه‌ی فروم، دقیقاً این اعتقاد انسان‌گرایانه در بشر است که به «تفکیک عقاید منجر می‌شود»: چگونه فروم توانسته اثرات مخرب از خودبیگانگی انسان را با چنین شفافی نشان بدهد و آنها را با توجه به روابط اقتصادی - اجتماعی فرهنگ امروز توضیح دهد، اما از سوی دیگر به علت از خودبیگانگی، امید به هرگونه نجات را ناممکن بداند. با این وجود، این سؤال مطرح می‌شود که وی چگونه می‌تواند هنوز به انسان ایمان داشته باشد.

نوشته منتشر نشده‌ی حاضر به این سؤال به دو صورت پاسخ می‌دهد؛ فروم از خودبیگانگی ویرانساز و وحشتناک انسان امروز را نشان می‌دهد و درعین حال از امکانات واقعی و نیروهای بالقوه‌ای صحبت می‌کند که می‌توانند به خوشبخت شدن انسان منجر شوند. آرمان‌شهر "واقعی" جایی است که انسان بتواند تا حدی به نیروی بالقوه‌ی خود برای ترفیع رشد و تعالی‌اش دسترسی داشته باشد.

نقطه‌ی عزیمت انسان‌گرایی فروم، از روانکاوی آغاز می‌شود، زیرا ناخودآگاهی شاخصه‌ی فرد و کل بشریت و دربردارنده‌ی پاسخ‌های احتمالی است و اهمیت آن به این علت است که شامل نیروهایی است که هم پرورش‌دهنده‌ی امکانات است و هم در مواردی آن را سرکوب می‌کند. «اساساً انسان در هر فرهنگی با طیف وسیعی از امکانات روبه‌رو است،

چه انسان دوره‌ی باستان، چه آدم‌خوار و چه بت‌پرست. انسان در عین حال، توانایی عقل، عشق و عدالت را نیز دارد».^۱

از آنجا که انسان یک موجود اجتماعی است، هر فرد تابع جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند و در واقع جامعه افراد را شکل می‌دهد. و افراد وادار می‌شوند کارهایی را انجام دهند که برای بقای وضع موجود جامعه مناسب باشد. «نیازهای اجتماعی به نیازهای فردی منتقل می‌شود و فرد به شخصیت اجتماعی تبدیل می‌گردد».^۲

اما جوامع برخی از امکاناتی را که در اختیار ناخودآگاه انسان است، ارتقا نمی‌دهند، یعنی به ندرت اتفاق می‌افتد که جامعه همه‌ی امکانات و احتمالات بالقوه را بشناسد و افراد با آن هم‌ذات‌پنداری کنند. در بسیاری از اوقات تمایلات و خواسته‌ها در تناقض با الگوها و ویژگی‌های اجتماعی، سرکوب می‌شوند. به همین دلیل، «ذهن آگاه ما عمدتاً جامعه و فرهنگ ما را نشان می‌دهد، در حالی که ناخودآگاه ما محدود به جامعه نیست، بلکه جهانی و فراگیر است و در هریک از ما انسان‌ها وجود دارد».^۳

انسان در ناخودآگاه خود، همه‌ی بشریت و همه چیز را تجربه می‌کند؛ اعم از «انسان مقدس و گناهکار، کودک و بزرگسال، عاقل و مجنون، انسان‌های گذشته و حال و همچنین انسانی که در آینده خواهد بود».^۴

1 E. Fromm, "Humanism and Psychoanalysis," in Contemporary Psychoanalysis, Vol. 1 (1964), p. 27

۲. همان. ص. ۷۵-۷۶

3. E. Fromm, The Heart of Man: Its Genius for Good and evil, in Religious Perspectives (vol.12), ed. Ruth Nanda Anshen, New York, 1964, P.93.

۴. همان